

## سخنرانی در مراسم بزرگداشت مادر احمدی

مریم رجوی: مادر احمدی نمونه‌یی از نسلی پرشمار از زنان و مادران مبارز علیه دو دیکتاتوری

۲۱ اسفند ۱۳۹۴

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي

ای جان آرام‌یافته و به اطمینان رسیده، به‌سوی پروردگارت بازگرد که تو راضی از او و او از تو راضی است. پس به‌جمع بندگانم درآی و به بهشت من داخل شو!

حضار محترم!

در اینجا جمع شده‌ایم برای بزرگداشت بزرگ زن آزاده و مجاهد خانم عفت الشریعه شاه آبادی که دو هفته پیش در تهران بدرود حیات گفت.

این درعین حال تجلیل و قدردانی از نسلی از مادران و زنان ترقیخواه، روشن‌ضمیر و مقاوم است که ریشه‌ها و پشتوانه‌ها و تکیه‌گاه‌های زنان پیشتاز و مجاهد و مبارز در نبرد برای آزادی و برابری بوده و هستند.

ابتدا اجازه بدهید مجدداً تسلیت بگوییم به برادر مجاهدان محمود احمدیکه از نخستین مجاهدان اسیر در ضربه شهرپور ۵۰ بود و مجاهد خلق دکتر جواد احمدی پزشک ارشد اشرفیها و از بازماندگان لشکر فدایی اشرف در حمله ۱۰ شهرپور

۹۲ و همچنین تسلیت می‌گوییم به خواهر عزیزم فخری احمدی و باید گرامی بداریم خاطره سه فرزند شهید خانم شاه‌آبادی یعنی مجاهدان خلق احمد احمدی که زیر شکنجه‌های ساواک شاه جان باخت،

اشرف احمدی زندانی سیاسی زمان شاه که در زمان شیخ پس از هفت‌سال اسارت در جریان قتل‌عام سال ۶۷ بنا به حکم خمینی دژخیم سربه‌دار و سرافراز شد.

و علی احمدی که در موشک‌باران لیبرتی به‌دستور خامنه‌ای دژخیم به‌شهادت رسید.

خانم شاه‌آبادی به‌داشتن چنین فرزندی که از روحیه و افکار و تربیت خود او تأثیر گرفته بودند، به‌حق افتخار می‌کرد.

اما او نه‌به‌خاطر نسبت مادری به چنین فرزندی، بلکه به‌دلیل شخصیت خودش و راهی که انتخاب کرده بود، در این جایگاه قرار داشت. در زمان دولت دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی او و همسرش مرحوم آیت‌الله سید حسن احمدی دوستان و هم‌صحبت‌های نزدیک مصدق فقید بودند و این دوستی و رابطه نزدیک، رودر روی آخوند کاشانی و مرتجعان همدست او بود.

از همان زمان، خانم شاه‌آبادی و همسرش مرزبندی قاطعی با این جبهه ارتجاعی داشتند. می‌دانید که در آن زمان خمینی، از مریدان و شیفتگان کاشانی بود و بعداً هم معلوم شد چه دشمنی غلیظی با مصدق دارد.

در آستانه ورود خمینی دجال به‌تهران که دیگر روشن بود که به‌حاکمیت خواهد رسید، بازهم خانم شاه‌آبادی و همسرش قاطعانه علیه او مرزبندی کردند.

در حقیقت، این زن بزرگوار، به‌رغم داشتن فرهنگ و تربیت سنتی و پیوندهای بسیار با روحانیان، هیچ‌گاه خمینی را نپذیرفت و فریفته او نشد. فکر می‌کنم این سوابق به‌روشنی مواضع و افکار آزادیخواهانه و مترقی او را نشان می‌دهد. و این پشتوانه مبارزه و مجاهدت او در مقابل شاه و خمینی و خامنه‌ای بود.

یاد مجاهد قهرمان فاطمه امینی به‌خیر. در زمان شاه، فاطمه شهید محور سازمان دادن گروه پرتوانی از زنان و مادران و اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهیدان بود که به‌خاطر زندانیان و شهیدان باهم در ارتباط بودند و به ملاقات زندانیان می‌رفتند.

اما در خلال همین ارتباطات، جریانی از فعالیت‌های مبارزاتی از جمله عضوگیری‌های جدید برای سازمان مجاهدین صورت می‌گرفت. خانم شاه‌آبادی در همین تشکل بود و بسیار تحت تأثیر فاطمه امینی قرار داشت. دختر قهرمانش اشرف هم در همین ارتباطات قرار داشت و مشخصاً دفاعیه و نوشته‌ها و پیام‌های مسعود را از زندان‌های ساواک به مجاهدین منتقل می‌کرد.

می‌دانید که به‌خاطر همین مبارزات، خانم شاه‌آبادی هم در دوران شاه و هم در دوران خمینی بارها به‌زندان افتاد و تحت آزار و شکنجه قرار گرفت و لاجوردی دژخیم کینه زیادی به او داشت.

خانم شاه‌آبادی با این سوابق درخشان درعین حال نمونه‌یی از یک نسل پرشمار از زنان و مادرانی است که به‌استواری در مقاومت علیه دو دیکتاتوری شناخته شده‌اند، زنان والایی مادر صادق، مادر کوشالی، مادر داعی، مادر دشتی و مادر بهکیش و بسیاری دیگر. تازه اینها کسانی است که نامهایشان به ثبت رسیده و برای جامعه ایران شناخته شده هستند.

در حالیکه بسیار زنانی از همین نسل بی‌نام و نشان به‌شهادت رسیده یا در گوشه و کنار ایران مشقت‌ها و مصائب بسیار را به‌جان خریده و در مقابل استبداد حاکم پایداری کرده‌اند.

بنابراین روحیه و شجاعت دختران دلیری که در نخستین هفته‌های پس از به‌حاکمیت رسیدن خمینی به‌مقابله او برخاستند یک پدیده خلق‌الساعه نبوده و نیست؛ بلکه از چنین پشتوانه‌ها و ریشه‌هایی برخوردار بوده‌اند.

زنان مجاهدی که امروز در لیبرتی پایداری می‌کنند و یا در سایر جاها در صفوف این مقاومت مسئولیت‌های سنگین بر عهده دارند چنین پشتوانه‌هایی دارند.

همین روزها در آستانه پنجمین سالگرد حمله جنایتکارانه قوای مالکی یعنی دولت دست‌نشانده آخوندها در عراق به اشرفیها هستیم که در آن ۳۶ مجاهد خلق و ۳۶ اشرفی گرد و سرفراز در ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ به شهادت رسیدند.

به مناسبت موضوعی که گفتم به‌خصوص باید از هشت زن قهرمان مجاهدی که در این حمله به‌شهادت رسیدند، یاد کنم؛ از آسیه و صبا و مهدیه و نسترن و شهناز و فاطمه و فائزه و مرضیه که هر کدام افتخار زن ایرانی هستند و از دامان چنین مادرانی برخاسته‌اند.

باید بگویم این زنان و مادران مقاوم و شکیبا و آزاده همچنین شریف‌ترین سنت‌ها و ارزش‌ها و راه و رسم‌ها در جامعه ایران را نمایندگی می‌کنند و خودشان مدافعان و مشعلداران همین ارزش‌ها بوده‌اند.

بله، مقاومت مردم ایران چنین ریشه‌ها دارد. از چنین مهر و محبت‌هایی سرشار شده و عشق و ایمان چنین مادران را آنرا احاطه کرده‌است.

وجود نسل بیشماری از این زنان و مادران که امروز هم شاهد فعالیت‌های شجاعانه آن‌ها هستیم، گواه این واقعیت است که با وجود سرکوب و خفقان و حاکمیت منحنط آخوندها، ارزشها و بذری که مادران مجاهد و مقاومی چون مادر احمدی خلق کرده اند، تا کجا در جامعه ایران ریشه و رویش دارد و سرمایه آزادی ایران است. شاید شما هم فیلم سخنان خانم شاه‌آبادی را که اخیراً سیمای آزادی پخش کرد، دیده باشید؛

اعتقاد و ایمان محکم او که در تمام این صحبتها موج می‌زد، محبت‌ها و پیوندش با خود مسعود، امید و یقینش به آینده پس از سرنگونی رژیم، همه و همه شخصیت، منش و افکار بلند او را نشان می‌داد. ما به خاطر از دست دادن او سوگواریم، اما درعین حال به خاطر مقاومت چنین زن بزرگ‌منشی سربلندیم، جامعه ایران و به خصوص زنان ایران به خاطر او سربلندند. به خاطر او و زنانی مثل او که محنت‌های بزرگ و بس طولانی را تحمل کردند تا ایران و جامعه ایران، آینده‌اش در آزادی و رهایی باشد. به روح پرفتوح او درود می‌فرستیم. از همه شما متشکرم